



عیسی مسیح در نوشته های مانوی

دکتر ابرج وامقی

مقدمه:

چند سال پیش در یکی از نشریات ماهانه تهران، مقاله ای به قلم استاد دانشمند خانم دکتر بدرالزمان قریب به چاپ رسیده بود که مربوط بود به «مسیح در نوشته های مانوی». مقاله ای بود، همچنان که انتظار می رفت ممتع و استادانه و روشن کننده زوایای ارتباط دین مانی با دین مسیح. با خواندن آن مقاله به فکر افتادم که آن بخش از متنهای مانوی را که در آن راجع به عیسی مسیح سخن رفته است جداگانه ترجمه کنم و با حواشی و یادداشتهای لازم به چاپ برسانم. متنهایی که اینجا ملاحظه می فرمایید همانهاست. اما چنانکه مقایسه آنها با انجیلهای موجود نشان می دهد، معلوم می گردد که از هیچ یک از آنها گرفته نشده است بلکه مأخذ و منبع جداگانه ای داشته که در پای صفحات بدان اشاره شده است.

این متنها را بانوی دانشمند انگلیسی مری بویس (M. Boyce) در شماره نهم نشریه Aeta Iranica به صورت حرف نویسی لاتین به چاپ رسانیده و حواشی بسیار فاضلانه ای بر آن افزوده اند، ولی به دلایلی من از ترجمه حواشی ایشان خودداری کردم، ولی اگر ضرورتی بر ترجمه پیش آمد با علامت «م. ب.» آنها را مشخص نموده ام. علامت های الفبایی لاتین متن ها، از کتاب خانم بویس است و برای این آوردم که علاقمندان به سهولت بتوانند آنها را پیدا کنند.

البته - چون دیگر ترجمه ها - سعی کردم تا آنجا که به

موضوع لطمه وارد نشود ترجمه تحت اللفظ باشد.

امیدوارم که این متنها بتواند گوشه هایی از تاریخ روابط دینی ایرانیان غیرمسیحی و مسیحیان ایرانی را روشن نماید.

درباره صعود عیسی و نجات از باززایی* [by]

(۱) بیدار شوید [ای] برادران! [ای] گزیدگان! بدین روز جان بوزی^(۱). به مهرماه، چهارده [روز] گذشته^(۲) [بود] هنگامی که عیسی، پسر خدا، از باززایی^(۳) رها شد.

(۲) نگاه کنید [ای] همه مؤمنان خدا! که چون زمان انجامش به پسر انسان^(۴) آمد، [دیو]های خشم دریافتند و آشیجاد^(۵)، آن خدای بزه آموز [جامه] فریب^(۵) پوشید. همدست شدند. از فراز، دوازده گاهان^(۶) آشفته شد^(۷). زهر ریخته شد بر آفرینش زیرین و برزادگان [آن] و آن جام مرگ آماده شد. یهودان - خدمتگاران [آن] بزرگترین خدای^(۸) فریب آغازیدند، تهمت زنده فرو افتاد، به عوض با پسر انسان نبرد کردند.

بزه گری اندیشند. گواهی نادرست گرد آورند. شیطان بدبخت که همواره فرشتگان را می آشفته او، خود رَمه مسیحا^(۹) را آشفته کرد. اسخریوطی^(۱۰) پلید را باره^(۱۱) کرد. گرمی ترین مؤمن از شاگردان، او را به نگهبان زورمند نشان داد. پسر خدا را به دشمنان سپرد. از راستی گشت. با پاره ای^(۱۲) که یهودان دادند، خدای خود و آموزگار [خود] را قربانی کرد.

حواشی by

* باززایی واژه ای است که من بجای تناسخ بکار برده ام. یعنی بار دیگر زاده شدن و بجهان آمدن. در متن های پهلوی اشکانی و فارسی

میانه مانوی دو واژه برای این مفهوم آمده است یک *wn* و دیگری *parnibran* که در همین متن خواهد آمد.

نجات از باززایی عالی‌ترین مراتب روحانیت مانوی (و همچنین بودایی) است یعنی این که روح بار دیگر و در جسدی دیگر بجهان نمی‌آید. در بودایی به نیروانا می‌رسد و در مانویت به جهان نور، وطن اصلی خود و نوری به نورالانوار می‌پیوندد و در دنیای روشنایی خلاصه میشود در آنجا جاودانه میماند و این همان است که در عرفان ایرانی به آن فناء فی الله، می‌گویند و به بقاء بالله تعبیر میشود.

۱- جان بوزی. متن: *gyanan boxtagift* = نجات (یافتن) جان‌ها. اصطلاح جان بوزی که من بکار برده‌ام از بیشتر فرهنگها فوت شده در حالیکه تنها چهار بار ولی بصورت «جان بوز» در ویس و رامین بکار رفته است. دهخدا در لغت نامه جان بوزه را - به نقل از تاج العروس - آورده و چنین معنی کرده است: غارگونه است به کوهها و توچالها و جاهای سرد که کاروانی بدانجا پناه برد. دکتر محجوب - در حواشی ویس و رامین چاپ خود - پس از شرحی نسبتاً مفصل، آن را به همان معنی که دهخدا داده - یعنی جان پناه - آورده اما متوجه جزئیات واژه که مرکب است نشده. جزء نخست واژه که مشخص است. *gyan* در فارسی «جان» ولی در کردی همان *gyan* تلفظ می‌شود. جزء دوم، بوز باید از ریشه اوستایی *baog* باشد که به معنی نجات دادن و یافتن است. در فارسی باستان: *baug* - در پهلوی مصدر آن *boxtan* و صفت فاعلی از آن *boxtar* است یعنی نجات دهنده اما ماده مضارع آن *bud* است (نگاه: ایرج وامقی. انگدروشنان ص ۲۲. فعل: *bwjyndyh* = نجات دهنده). از همین ماده است جزء دوم نام «کمبوجیه». چهار بیت ویس و رامین چنین است:

شب تاریک بر من روزگردان

کنار تو مرا جان بوز گردان

دگر کشتی لبم بر لبش پیروز

مرا کردی کنار خویش جان بوز

کنون از من همی جان بوز خواهی

به دی مه در همی نوروز خواهی

به مشتی گاه او را میهمان کن

به جان بوزی دلم را مهربان کن

۲- یعنی چهارده روز از مهرماه گذشته. خانم بویس می‌نویسد: تاریخی که در این متن برای مصلوب شدن مسیح آمده، انتقالی است از چهارده نisan سریانی به چهارده مهرماه ایرانی. وجود این تاریخ و نیز اینکه شعر فاقد ترتیب القابلی است - این تصور را پیش می‌آورد که متن از سریانی ترجمه شده است.

۳- از باززایی رها شد، متن: *Parnibrad* فعل سوم شخص مفرد ماضی از *parnibran* (گیلن ۹۲ آن را با تلفظ *parinirvana* آورده). به احتمال این واژه از «نیروان یا نیروانای» بودایی گرفته شده است. در آنجا نیز نیروانا رهایی از باززایی - یا تناسخ - است و آن، چنانکه از فحوای تعاریف موجود برمی‌آید یعنی انحلال عناصر مادی و عدم بازگشت روان انسانی به این جهان عناصر و ترکیبات، که از آن به رهایی از رنج تعبیر شده است. در متن های مانوی نیز این واژه همین مفهوم را دارد.

واژه بودایی ظاهراً از *nirrity* سنسکریت (در سروده‌های ریک ودا) به معنای نابودی و نیز الهه مرگ و ویرانی گرفته شده است (نگاه: جلالی نایینی. سروده‌های ریک ودا. چاپ دوم - ص ۵۴۹. داریوش شایگان: ادیان و مکتبهای فلسفی هند ۱۶۵ و ۳۵۶ و مابعد و نیز نگاه: فهرست اصطلاحات. هرمان الذنبرگ: آیین و رهبانیت بودا، ترجمه بدرالدین

کتابی ص ۲۵۱ و بعد).

۴- پسر انسان *mard puhr* این اصطلاح و نیز اصطلاح «پسر خدا» - *bay-puhr* در انجیلهای بطور مکرر برای عیسی به کار رفته است. پسر انسان نخستین بار در انجیل متی باب ۸ آیه ۲۰ آمده و قریب هشتاد بار در انجیلهای به جای عیسی آورده شده گفته اند که منظور از پسر انسان، بیان طبیعت جسمانی و غرض از پسر خدا بیان طبیعت لاهوتی اوست (نگاه: قاموس کتاب مقدس ۲۱۹ ذیل: پسر خواهر).

۵- فریب: متن: *zur* از اوستایی و فارسی باستان *zurah* (در واژه مرکب *zura-kara* = فریبکار بی شرم) از ریشه *zbar* سنسکریت: (این واژه با واژه زور=نیرو. توانایی. از اوستایی: *zavar* یکی نیست) واژه های عربی تزویر و مزور از همین ریشه ایرانی ساخته شده است: (نگاه: بارتولومه ۱۶۹۷ کنت ۲۱۱ نیبرگ ۲۳۲ و گیلن ۶۵ نیز: کتیبه بیستون از داریوش بزرگ ستون ۴).

۶- دوازده گاه یعنی دوازده تخت در مفهوم دوازده آسمان. در مقابل هر دوازده از هر آسمان تحت نگهداری آن قرار داده شده است (م.ب).

۷- آشفته شد. متن: *ayušt* فعل از *ayuz* از ریشه اوستایی *yaoz* = جوشش، جوشیدن، هیجان (در اوستا بیشتر برای آب دریا می‌آید) موج زدن [دریا] فارسی باستان: *yaud* = آشوب، هیجان، اضطراب (کنت ۲۰۴ رایخلت ۵۴ بارتولومه ۱۲۳۱ گیلن ۶۴ نیبرگ ۲۲۷) این واژه غیر از: *yaod* اوستایی به معنی جنگ کردن است.

۸- خدمتگزار برترین خدای - پهوه - جمله حالت طنز و تمسخر دارد.

۹- مسیحا: در اصل *mašihā*.

۱۰- اسخریوطی *iškariyōta* - مقصود یهودا و او همان کسی است که عیسی را به دشمنان معرفی و تسلیم کرد (متی باب ۱۰ آیه ۴) این شخص یکی از دوازده شاگرد عیسی بود که در ازای رشوه ای برابر سی سکه نقره، او را به رؤسای یهود و در واقع به چوبه دار تسلیم کرد (برای تفصیل نگاه: متی باب ۲۶ آیه ۱۴ و بعد، مرقس ۱۹:۳ لوقا ۱۶:۶) اسخریوط یا به عبرانی «ایش قریوت» نام یکی از شهرهای یهودا بوده و او منسوب است به این شهر (قاموس کتاب مقدس ۹۷۸) یهودا سپس از کار خود پشیمان شد و رفت و آن مبلغ را برگرداند اما رؤسای یهود نپذیرفتند پس آن پول را در معبد انداخته خود را حلق آویز کرد (نگاه: انجیلهای).

۱۱- باره کرد. باره به معنی اسب و نیز به معنی مرکب - آنچه برای جابجایی برآن سوار شوند شیطان اسخریوطی را باره کرد. یعنی بر اسخریوطی سوار شد.

۱۲- پاره. متن: *pad barag* = رشوه. جزء دوم این واژه احتمالاً همان واژه پهلوی: *parag* است که به معنی هدیه، تحفه و پول و رشوه نیز آمده است. (واژه نامه مینوخرد. ذیل: *parag* و نیز نگاه: *parag* مکزی) در فارسی = رشوه (برهان) عطا (لغت فرس) و نیز به معنی هدیه و تحفه آمده است: به از نیکو سخن چیزی نیایی / که زی دانا بری بر رسم پاره (ناصر خسرو). اوستا: *para* به معنی وام، بدهی (بارتولومه ۸۸۹ نیبرگ ۱۵۰ برای تفصیل نگاه کنید: اساس اشتقاق. ج ۱ ص ۳۳۳). خالقی مطلق (مترجم و محشی اساس اشتقاق) گوید که در دیوان ناصر خسرو «باره» ضبط شده که غلط است. در شاهنامه چاپ مسکو نیز «باره» آمده که نوشین - در واژه نامک - نادرست دانسته. به نظر من: *barag* در این واژه همان *para* است و قبول این مطلب مشکل دیوان ناصر خسرو و شاهنامه را نیز حل می‌کند (p- بی‌واک، بی‌آوا - در میان دو صوت - آوایی، -a,d+ و اکبر، قاعده باید به b بدل شده باشد. (*pad barag*))

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ
وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ
عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ.

(خداوند بر دل های آنها مهر نهاد) به سبب این گفتارشان که: ما مسیح عیسی بن مریم، رسول خدا را کشتیم. اما آنها او را نکشتند و به صلیب هم نکشیدند بلکه امر بر آنها مشتبّه شده است. کسانی که درباره او اختلاف کردند، در این مورد در شک به سر می برند. آنها نسبت به این امر علم و آگاهی ندارند و فقط از گمان خود پیروی می کنند. مطمئناً او را نکشتند، بلکه خداوند او را به سوی خدا بالا بُرد.

(قرآن کریم سوره نساء آیه های ۱۵۷ و ۱۵۸)

و با یادداشتها و حواشی در جلد یکم نامواره دکتر محمود افشار به چاپ رسیده است.

دربارهٔ بدار آویختن مسیح [bw] (پارتی)

۱-... براستی پسر خداست. و پیلاطس پاسخ داد که بنگر [ید] که من از خون این پسر خدا بی بهره ام^(۱). یوزباشی و سربازان از پیلاطس فرمان چنین گرفتند که این را را چون فرمان دارید و یهودان، خود شمار دهند^(۲).
۲-دیگر گوید که به یکشنبه، به آغاز خروسخوان آمدند، مریم، شلوم (= سالومه)، مریم با بس زنان دیگر، آنان [ادویه] خوشبو پیش آوردند. نزدیک آن دخمه فراز آمدند. آنان... پیامبر...

(چند بند از میان رفته است)

۳-... ورج را ببینید. بنا به گواهی که کردند، مریم، شلوم و ارسنیاه^(۳). پس دو فرشته^(۴) از آنان پرسند که مه زنده را با مردگان بخواهید^(۵)، سخن عیسی، را به یاد دارید؟ که در جلیله به شما آموخت که مرا [به دشمن] می سپارند و به دار می کنند. سومین روز، از [میان] مردگان خیزم. شتابان به جلیله شوید، شمعون را آگاه کنید... و دیگران...*

حواشی bw

۱- آنچه در این متن، دربارهٔ عیسی آمده است، در جزئیات با انجیلهای چهارگانه موجود تفاوت هایی دارد که خواهیم گفت و نشان می دهد که منقول از انجیل دیگری است و به احتمال فراوان از انجیل مرقیون. نقی زاده (مانی دین او ص ۲۷) به نقل از «بورکیت» نوشته است: «اطلاع او - یعنی مانی - از دین عیسوی منحصرأ. از انجیل مرقیون و نوشتجات مؤسس آن مذهب و تا حدی هم از نوشتجات قدیس پاولوس... و شاید از انجیل بطروس بوده است.» دربارهٔ مطلب فوق در انجیل متی چنین آمده است: «چون پیلاطس دید که ثمری ندارد، بلکه آشوب زیاده می گردد، آب طلبیده، پیش مردم دست خود را شسته گفت، من بری هستم از خون این شخص عادل» (متی باب ۲۷ آیه ۲۴). در متن مائوی نیز «از خون این پسر خدا بی بهره ام، یعنی «در ریختن خون او دخالت و سهمی ندارم».

دربارهٔ به دار آویختن مسیح [bx]

۱-... عیسی^(۱)، به خاطر نیا، گزیدگان گزید^(۲). موج آذرین شکستن خواهد که همهٔ جهان را به آتش بسوزاند. شهریار ارجمند جامه دگر کرد^(۳) و با نیرومندی بر شیطان آشکار شد. آنگاه زمین و آسمان به لرزه درآمد و اسمعیل^(۴) به ژرفنا فروافتاد. ترجمان راستی^(۵) بخشایش کرد بر [آن] روشنی که دشمنان بلعیده بودند. او را فراز بُرد از ژرفنای دوزخ به آن جای شکوهمند که از آنجا حمله کرد.
۲- نماز برتو، [ای] زادهٔ بزرگی که پاکی خود را آزاد کردی، اکنون نیز، مارزکوی هموزاک^(۶) را بیای. [آن که] شبان بزرگ رمه درخشان تست.

حواشی bx

۱- در این متنها همه جا به جای عیسی - که ما به کار برده ایم - شکل عبری آن ییشوع: yišo آمده است.
۲- «واژهٔ «یشوع» بازسازی هنینگ است. از واژهٔ به خاطر wasnad تا گزیدگان wizidagan در متن: M 891B مانده است. واژه نیا niyag ممکن است nawag هم خوانده شود (م. ب) مقصود از نیا، همان ژرژوان یا پدر بزرگی، یعنی پادشاه جهان روشنی است.
۳- جامه دگر کرد، یعنی لباس خود را عوض کرد.
۴- اسمعیل^(۴) sammael نام دیگری است برای شیطان. مطابق نوشتهٔ آسموسن این نام در میان «یوگومیل» های ثنوی مذهب بلغارستان به کار می رود. نگا:

Manichaeen Literature. Delmar, New York. 1975. P 106.

۵- مقصود از ترجمان راستی، عیسی است.
۶- مارزکوی هموزاک: ammozag marzaku. آموزاک یا هموزاک یعنی آموزگار و در طبقه بندی روحانی دین مانی یکی از اعضای گروه دوازده نفری است که جانشین مانی - یعنی رهبر دین - باید از میان آنها برگزیده شود. مار - به صورتهای mari m mari, mar یک واژهٔ سامی است و صورت نُعْت دارد با احتمال برابر است با حضرت یا جناب زکو، یکی از نخستین پیروان مانی است که حتی در روز تاجگذاری شاپور یکم، در مراسم به همراه مانی حضور داشته است. یک شعر زیبا و شورانگیز بازمانده از مانویان، مرثیه ای است مؤثر و شیوا در سوک همین شخص، به گفتهٔ خانم بویس اگر زکوی این متن، همان باشد، باید آن شعر را از نخستین نوشته های پارتی مانوی به حساب آورد. این مرثیه توسط اینجانب ترجمه

۲- این مطلب در هیچیک از چهار انجیل موجود نیامده و پیداست که از مأخذ دیگری گرفته شده است. می‌خواهد بگوید که خود یهودیان مسئول هستند - شاید در برابر خدا -

۳- پس از مصلوب و مدفون شدن عیسی، صبح روز بعد، بعد از سبت - یعنی یکشنبه - زنانی برای تدفین جسد عیسی به سوی گور او رفتند ولی جسد را نیافتند. روایت انجیلها در اینجا نیز متفاوت است. متی از دوزن نام می‌برد، مریم مجدلیه و مریم دیگر. مرقس نام سه زن را ذکر می‌کند. مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب، و سالومه (شلوم). در لوقا صحبت از زنان است بدون نام هیچیک و بالاخره یوحنا فقط از مریم مجدلیه یاد می‌کند. متن حاضر مانوی - در بند اول - مطابقت دارد با انجیل مرقس، ولی بدون رعایت ترتیب نامها. اما در بند سوم نام زنی دیگر - ارسنیه - *arseniyah* - نیز به میان آمده (که خانم بویس آن را یک نام یونانی تصور کرده است که در هیچیک از انجیلها نیامده و هیچ آگاهی نیز درباره او به دست نیامد.

۴- درباره فرشته یا فرشتگانی که بر سر گور عیسی دیده شده اند نیز روایت انجیلها متفاوت است. متی: یک فرشته سفیدپوش. مرقس: جوانی با جامه سفید. لوقا: دو مرد در لباس درخشنده. و سرانجام یوحنا: دو فرشته با لباس سفید.

۵- عبارت «مه زنده را با مردگان بخواهید» فقط در انجیل لوقا دیده می‌شود و آن هم به این صورت: «چرا زنده را از میان مردگان می‌طلبید؟» * تذکر: مطالبی که در سه یادداشت اخیر - ۳ و ۴ و ۵ - از انجیلها نقل شده همه از آخرین باب هر یک از آنهاست.

[bya]

۱-... عیسی به یهودیان پاسخ داد که شما اکنون از شاگردان [من] پیرسید که چیست آموزشی که من آنان را آموختم (۱) و کارهایی که به آنها فرمودم. قیافا (۲) - بزرگ کاهنان جامه بداندیشی و نیرنگ پوشید، با همه یهودان. و با شکنجه و درد مرگ آور، عیسای فریانه (۳) را شکنجه داد... اما نرم (۴)، به ساختمان اورمزد بیغ (۵) که...

حواشی bya

۱- انجیل یوحنا در این مورد چنین آورده است: «پس رئیس کهنه از عیسی درباره شاگردان و تعلیم او پرسید. عیسی به او جواب داد... چرا از من سؤال می‌کنی. از کسانی که شنیده اند پیرس که چه چیز بدیشان گفتم» (باب ۱۸ آیه ۱۹ و بعد).

۲- قیافا *kaifah* مطابق انجیلها، هنگامی که عیسی محاکمه می‌شد، قیافا ریاست کاهنان یهود را به عهده داشت و از عیسی بازجویی می‌کرد و هم‌بود که اظهار نظر کرد که: «به جهت ما مفید است که یک شخص در راه قوم بمیرد و تمامی طایفه هلاک نگردند... تا فرزندان خدا را که متفرقند در یک جا جمع کند» (یوحنا باب ۱۲ آیه ۵۰ و بعد).

۳- فریانه (*frayanag*) = دوست، عزیز، محبوب. از ریشه اوستایی *fray* = دوست داشتن، خشنود کردن. (بارتولومه ۱۰۱۶ و نیبرگ ۲۴۶)، از همین ریشه است صفت *fraya* = دوست. پهلوی *fryan*. با پیشوند *a*، به صورت آفرین.

۴- نرم. متن (*namr*) = نرم، فروتن، متواضع، از ریشه اوستایی *nam* = خیم شدن، تعظیم کردن، از همین ریشه است واژه های نماز، نمود، نمیدن یعنی

خم شدن و میل کردن.

وقت رنج و درد آن سویی نمی

چونکه دردت رفت خوانی اعجمی

(مثنوی مولوی)

معین، در حاشیه بر آن آورده است: نمیدن. مصدر جعلی از نمید + دن (پسوند مصدری) با حذف یک «د» در حالیکه مصدر به اصطلاح جعلی از ماده مضارع + -یدن یا -ادن یا -ستن ساخته میشود. نمیدن از نم: *nam + v* -یدن ساخته شده است.

۵- ساختمان اورمزد بیغ، احتمالاً بهشت است. اما اگر *raz* را به معنی همانند بگیریم معنی عوض می‌شود: «همانند اورمزد بیغ».

متن [byb]

۱- یهودان از زمین بیرون رفتند. آنگونه نمود که در بامداد آموزگاران، کاهنان، دبیران و آن دین سالاران، مشورت کردند و یکی از دیگری پند ستد که او را اوژنند. (۱)

۲- و برای او گواهان دروغین یافتند. گواهی یکیشان با دیگری نمی‌ماند. ایشان دیگر دو [تن] آوردند. آنان گفتند که این مرد گوید که [من] توانا هستم که این ایدان که با دست کرده شده است ویران کنم و به سه روز [پدانی] بسازم که به دست کرده نشده است (۲).

(تعدادی از سطرها به طرز بدی باقیمانده یا از بین رفته)
۳- اکنون فراز بینید پسر انسان را هنگامی که به دست راست زاور نشسته است (۳) هنگامی که بر [برهای] آسمان آید.

۴- پس آن بزرگ کاهنان، جامه را... آنان یکی به دیگری گفت که... از دهان او شنیده ام... چاره کشتن است (۴) ... پیلاطس...

۵- رهایی یافت از همه اینها که بر او آمد، چه ما همه دانیم که چون عیسای مسیح، خداوندگار همه ما به دار آویخته شد این گونه نموده شد بر آنان. که او را همچون بزهرگر گرفتند و او را جامه سرخ پوشاندند (۵) و عصایی به دست راست [او] دادند و [براو] نماز برند و ریشخند کنند و گویند که دیرزی ای مسیح ما. آنگاه او را به [سوی] دار بردند.

حواشی byb

۱- مطالب این متن را به طور متفرق در انجیلهای موجود می‌توان یافت ولی به طور دقیق در هیچیک از آنها نیست و احتمالاً از همان انجیل مرقیون است (نگا: متی، با بهای ۲۶ و ۲۷ مرقس با بهای ۱۴ و ۱۵. لوقا، باب ۲۲، یوحنا بابهای ۱۸ و ۱۹) مطالب فوق را به این صورت، به تقریب تنها در باب ۲۷ انجیل متی می‌توان یافت: «چون صبح شد همه رؤسای کهنه و مشایخ قوم بر عیسی شوری کردند که او را هلاک سازند».

۲- این مطلب را تنها می‌توان در مرقس بابهای ۱۴ و ۱۵ یافت: «بعضی برخاسته، شهادت دروغ داده گفتند ما شنیدیم که او می‌گفت من این هیکل

ساخته شده به دست را خراب می‌کنم و در سه روز، دیگری را، ناساخته به دست، بنا می‌کنم» مرقس باب ۱۵ آیه ۵۷-۵۸ «راهگذران او را دشنام داده و سر را جنبانیده می‌گفتند: هان ای کسی که هیكل را خراب می‌کنی و در سه روز آن را بنا می‌کنی از صلیب به زیر آمده خود را برهان (مرقس باب ۱۵-۲۹-۳۰).

۳- نشستن عیسی به دست راست قدرت و بر ابرهای آسمان در سه انجیل - بجز یوحنا - آمده است (متی ۲۶/۱۴، مرقس ۱۴/۶۲، لوقا ۲۲/۶۹) برای نمونه از متی: «شما را می‌گویم، بعد از این پسر انسان را خواهید دید که بر دست راست قوت نشسته بر ابرهای آسمان می‌آید».

۴- تقریباً در هر چهار انجیل موجود این موضوع تکرار می‌شود که قیافا - رئیس کاهنان یهود - از عیسی می‌پرسد که آیا او پسر خداست و عیسی نیز به نحوی تأیید می‌کند و قیافا فریاد برمی‌دارد - یا لباس خود را پاره می‌کند - که دیگر نیازی به شاهد نیست، چرا که از دهان خود او شنیده شد برای نمونه از متی ۳۶/۶۵: «در ساعت رئیس کهنه رخت خود را چاک زده گفت کفر است. دیگر ما را چه حاجت به شهود است. الحال کفرش را شنیدید چه مصلحت می‌بینید؟ ایشان در جواب گفتند مستوجب قتل است» بنا بر آنچه در انجیلها آمده، می‌توان متن مانوی را چنین کامل کرد: «پس از آن، بزرگ کاهنان جامه [خود را چاک زد]... از آنان - یکی به دیگری - گفتند که [نیازی به شاهد نیست زیرا ما خود] از دهان او شنیده ایم ... چاره کشتن است».

۵- جامه سرخ پوشاندن بر عیسی را نیز با تفاوت هایی همه انجیلها آورده اند: «او را عریان ساخته لباس قرمزی بدو پوشاندند (متی ۲۷/۲۸) و «جامه قرمز بر او پوشانیدند و تاجی از خار بافته بر سرش گذاردند (مورق ۱۵/۱۷) ولی به جای عصا، نی به دست او داده اند در هیچیک از انجیلها مسخره کردن عیسی، به این صورت که: «دیرزی ای مسیح» نیامده است.

متن [byc]

۱- ... مقدس^(۱) ... هنگامی که... و برده شد در برابر فرماندار بزرگ و پیلاتس^(۲) ... پرسید که برآستی [تو] شاهی از خانواده^(۳) یعقوب و از تخمه اسرائیل^(۴)؟ ترجمان راستی پاسخ داد به پیلاتس که شهر یاری من نه در این جهان است.

۲- پس، بشتاب، یهودان بستند... به هیروودیس شاه...

(چند بند از میان رفته است)

۳- خاموش ایستاد و هیروودیس شاه...^(۵) [او را] جامه پوشاند و بساک بر سر نهاد. به نماز برخاستند سرش را پوشاندند. بانی به زنج و دهان او زبند و به حدقه چشمان او تف اندازند^(۶) و گویند برای ما نبوت کن^(۷) [ای] شهریار مسیحا!

۴- دیگر سه بار، در میان آمدند و سه بار نگویند فرو افتادند، چه هر زمان، چهره و گفتار خوش به ورج، بزرگ

ایشان گروید زنده...

حواشی byc

۱- مقدس. متن: šoz = منزه، پاک، مقدس.

۲- بردن عیسی را نزد پیلاتس همه انجیلها آورده اند. در سه انجیل آمده که عیسی به پرسشهای پیلاتس پاسخ درست نداد. تنها یوحنا می‌گوید: «پس پیلاتس... عیسی را طلبیده به او گفت که آیا تو پادشاه یهود هستی؟... عیسی جواب داد که پادشاهی من از این جهان نیست (۱۸/۲۶) و این همان است که در این متن آمده.

۳- خانواده. متن: ka d ag = خانه، کده، به مناسبت به جای خانه، خانواده، آوردیم.

۴- اشاره به خانواده یعقوب و تخمه اسرائیل در هیچیک از انجیلها موجود نیست و نیز در بند ۴ آنچه درباره سربازان رومی آمده. این قسمت اخیر را خانم بویس هم متذکر شده است.

۵- این قسمت را به این شکل، تقریباً هر چهار انجیل دارند. به نظر می‌رسد که افتادگی میان کلمات «هیروودیس شاه» و «جامه» بسیار زیاد است، چه هیروودیس - بنابه روایت انجیلها - در این قضیه دستی نداشته. پیلاتس عیسی را به نزد او فرستاده و او نیز موضوع را بار دیگر به خود پیلاتس بازگردانده است.

۶- مسئله - تف انداختن - در همه انجیلها هست. واژه پهلوی در اینجا wafend = تف اندازند. از ریشه اوستایی Vam = آب دهان انداختن، فی کردن. از مصدر: Vanta سنسکریت: Vam (بار تولوجمه ۱۳۵۷ - رابختن ۲۵۸، گیلن ۵۶).

۷- نبوت کن. متن: frawen یعنی پیشگویی کن. در تورات و انجیل، نبوت کردن به مفهوم پیشگویی کردن اوضاع و حوادث و خبر دادن از غیب است. ظاهراً باید از «نبأ» به معنی خبر دادن، آگاه کردن باشد.

متن [byd]

۱- ... [او را] همراه با بزه گران بدار کردند. پیلاتس مهره نوشت [به] عبرانی، یونانی و رومی، و آن را از آن دار آویخت. نوشت که این است عیسی ناصری، پادشاه یهودان، کسی که این را بخواند، بداند که گناهی بر او یافت نشد^(۱).

حواشی byd

۱- ظاهراً در آن هنگام مرسوم بوده است که گناه مقصران اعدام شده را می‌نوشتند و کنار جسد آنان می‌نهادند تا رهگذاران از چند و چون قضیه مطلع شوند. مطابق روایات انجیلها با عیسی نیز چنین کردند. اما تنها در انجیل سه زبانی بودن آن نوشته را متذکر شده اند (لوقا باب ۲۴ و یوحنا باب ۲۰). اما این مطلب که گناهی بر او یافت نشد در هیچیک از انجیلها نیامده. البته پیلاتس نه به روایت هر چهار انجیل، به طور شفاهی چنین اظهاری در حضور یهودان کرده است. ■